

بخشایش گناهان

روسنیوس



بخشایش گناهان



روسنیوس

Farsi, Western “Forgiveness of Sins”

Original Title: Syndernes forladelse (Swedish)
Forgiveness of Sins (English)
Originally published by © Luthersk Litteraturmission
1st edition printed October 2017, 6000 copies

© Farsi translation: Luthersk Litteraturmission
Dansk Balkan Mission
Lutheran Heritage Foundation
Author: C. O. Rosenius
Translator: Sam Malayri/Emmanuel Babaei (Farsi)
Publishers: Dansk Balkan Mission
Luthersk Litteraturmission
Lutheran Heritage Foundation
Graphics: Knud W. Skov, DBM

The translation and publishing of this book has been made joint by three publishers. All rights reserved. No part of this book may be reproduced, stored in a retrieval system, or transmitted, in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording, or otherwise, without the prior written permission of the publishers.

Luthersk Litteratur-Mission
Box 39, Köpmangatan 16
S - 911 21 Vännäs
www.llm.nu info@llm.nu

Dansk Balkan Mission
Br. Roddingvej 5a,
DK - 6630 Rødding
www.balkanmission.dk dbm@balkanmission.dk

Lutheran Heritage Foundation
51474 Romeo Plank Road
Macomb, Michigan 48042 USA
www.LHFmissions.org info@LHFmissions.org

Funding for the publication of this volume has been provided by the Thumb East and West Circuits of the Michigan District LCMS Circuit. Soli Deo Gloria!



مقدمه

این کتاب توسط یک شبان و نویسنده سوئدی به نام اولوف روسنیوس نوشته شده است. او بین سالهای ۱۸۱۶ تا ۱۸۶۸ در سوئد زندگی میکرد. او در جامعه ای مذهبی و در میان افراد پرهیزکار در شمال سوئد رشد کرد. او در سن ۱۷ سالگی برای موعظه به یک کلیسا دعوت شد. کشیش کلیسا درباره موعظه او نوشت: من به ندرت دیده و شنیده بودم موعظه ای به این دقت درباره ایمان که توسط این جوان بیان شد. روسنیوس برای تحصیل در رشته الهیات به شهر اویسالا نقل مکان کرد. به دلایل مشکلات و ضعف جسمانی او شغل معلمی خود را در استکهلم رها کرد. او آن زمان در مدرسه بشارت مسیح جرج اسکات کار میکرد. او سه سال آنجا کار میکرد. در سال ۱۸۴۲ اسکات آنجا را ترک کرد و روسنیوس برای پروتستانها در آنجا مشغول به کار شد. اما نه زیر نظر کلیسای جامع سوئد. او همچنین مجله ای را منتشر کرد با نام پرهیزگاری و در آن روزها او مورد توجه و تشویق افراد زیادی قرار گرفت. روسنیوس در موعظه ها و نوشته های خود تفکری لوتری بر مبنای پرهیزکاری داشت. در این کتاب او به این مسئله اشاره میکند که چگونه یک شخص گناهکار میتواند بخشیده شود. او از گناه واقعی و گناه کار واقعی صحبت میکند و کسی که نیاز به نجات دارد. و به همین دلیل او ما را متوجه عیسی مسیح میکند و کاری که او انجام داد. کامل کردن شریعت و پرداخت. بهای کامل گناهان ما و عدالت ابدی در او و هیچ کس دیگر نجات دهنده نیست.

اگر به نوشته های دکتر مارتین لوتر دقت کنیم بسیاری از نوشته های او با عنوان بخشش گناهان است:

۱. این بزرگترین و مهمترین موضوع در اعتقادات مسیحی است.
۲. این خود در برگیرنده مجموعه موضوعاتی است برای فهمیدن و بکار بستن در زندگی شخصی.
۳. این موضوع برای تمام مردم است بخصوص برای کسانی که با تجربه و مذهبی هستند که با آن میتوانند به راحتی استاد شوند.

چگونه ما مسیحی هستیم؟ این راه عظیم خداوند برای بخشش گناهان ما است. این تنها راهی است که به وسیله آن ما نجات پیدا می کنیم. این به این معنی است که ما روح القدس را از همین طریق دریافت میکنیم. یک فرد ممکن است موضوعات بسیاری را متوجه نشود اما اگر او فیض و رحمت و بخشش برای گناهان خداوند را داشته باشد او یک مسیحی است. او آماده است و دوست دارد که ساخته شود و شایسته است دریافت کند روح القدس را بوسیله رفتار خوب و او همچنین آماده است که شاد شدن و کامل شدن را بدست آورد. برعکس اگر بخشش گناهان توسط خداوند در زندگی یک شخص نباشد او مسیحی نیست. ممکن است در جلسات کلیسا به طور منظم شرکت کند اما او مسیحی نیست. ممکن است در تمام آئین و جشن های مسیحی شرکت کند ممکن است تظاهر به پارسا بودن بکند اما این دلیلی برای دوباره متولد شدن او نیست. ممکن است او شهادت دهد با ایمان قوی، اما در

اهمیت دادن و نگهداری از آن ناتوان است. اما زمانی که او به بخشش گناهان اعتماد دارد، بخش بزرگی از او تغییر می کند. اکنون او شاد و فروتن و راضی در عشق خداوند است. یک موعظه کننده شاید بسیار با شور سخنرانی کند و شاید کسانی را که در حال شنیدن موعظه هستند را از آتش جهنم بترساند و به آنها در این باره هشدار دهد، شاید بسیار با تعصب و زیبا موعظه کند اما اگر از موعظه او یک مسیحی تغییر نکند تمام سخنان او بی معنی و بی مورد بوده است. مردم ممکن است از موعظه او درس بگیرند و متقاعد شوند و به برخی مسائل پی ببرند اما قلب آنها تغییری نکند، و یا جرقه ای در زندگی آنها ایجاد نشود آنها مانند مرده راکد و در موقعیتی بی ثمر خواهند بود. همانند زمینی که شخم زده شده باشد اما چیزی در آن کاشته نشده باشد، و یا مانند زمینی که باران بر آن نباریده باشد و خشک و بایر شده باشد. اما اگر موعظه کننده درباره عیسی و مصلوب شدن او و بخشش گناهان و برای کسانی که تحت تأثیر گناه هستند موعظه کند، و اگر این سخنان از قلب موعظه کننده بیرون بیاید البته که بر قلب می نشیند و باعث نجات قلب های سخت بسیاری خواهد شد.

بله به این طریق است که ما نجات پیدا می کنیم. اگر گناهان من بخشیده شود فرزند خداوند هستم. و چه آرزویی بزرگتر از این می توانم داشته باشم؟ و اگر گناهانم بخشیده نشود چه چیزی میتواند مهمتر از این در زندگی من باشد؟ و سودی برای من داشته باشد؟ چگونه میتواند شاد باشد شخصی که گناهان او بخشیده نشده باشد و خداوند از او

ناراضی است. او همیشه ملعون است چه در داخل و چه در خارج از خانه و چه در دشت و بیابان و حتی زمانی که خوشحال و یا ناراحت است. و این شخص همیشه در میان مرگ و زندگی ملعون است.

در این زمانه، آموزش در مورد بخشش گناهان و بکار بستن صحیح آن در زندگی یک شخص بسیار سخت است. همچنین این سختی شامل مسیحیان آموزش ندیده و یا مسیحیانی که درست آموزش ندیده اند نیز خواهد بود. آنها بسیار با سختی و تلاش بسیار درباره چگونگی بخشش گناهان توسط خداوند مطالعه و گفتگو می کنند اما این را برای خودشان نمی خواهند. این به این دلیل است که نگاه آنها اجمالی و ضعیف است. و گناه آنها را دلسرد، بی جرأت و مغلوب کرده است، آنها بخشش گناهان را توسط خداوند و یا حقیقت جاودانگی را در تجربیات خود ندیده و یا حس نکرده اند، آنها ضعیف میشوند. این احساس ضعف و شک و تردید هجومی از سوی شیطان است که از روز ازل خواستار تضعیف کردن ایمان انسان بود. اجازه دهید این را به شما بگویم اینها مسیحیانی هستند که رابطه ای با روح القدس ندارند و یا پیشرفت ناچیز و اندکی در رشد ایمان داشته اند، و یا دچار ترس و تشویش در رابطه با وضعیت روح خود هستند. بزرگترین انسانهای پرهیزگار که مانند فرشتگان از جاودانگی خون عیسی مسیح می گفتند، زمانی که درباره روح خود دچار ضعف و نگرانی بودند دوباره خود را پیدا می کردند آنها کسانی بودند مانند: داوود، پولس و لوتر.

بسیاری از مردم نمیتوانند این را متوجه شوند، آنها فکر می کنند ساده ترین چیز در جهان، اعتقاد به بخشش گناهان توسط خداوند است. بار اول که آنها متنی با این موضوع میخوانند و یا به موعظه ای در این رابطه گوش میدهند، فکر میکنند هر آنچه را که باید بدانند می دانند. آنها به شما میگویند که در قلب خود میدانند بخشش کامل گناهان چیست. لوتر به این دسته از مردم میگوید که هرگز در طول زندگی خود درباره این موضوع نمی توانند چیز زیادی یاد بگیرند. در این بین بسیاری از افراد زمانی که در حال یادگیری بیشتر درباره این موضوع هستند از آن متنفر میشوند. خود من سالهای زیادی در حال پیشرفت و تحصیل و یادگیری درباره بخشش گناهان بوده ام، به همراه نوشتن و سخنرانی و غیره. اما نمیتوانم در این زمینه خود را ستایش و تمجید کنم و به خود لقب استاد بدهم.

مشکل کجاست؟ چرا بسیاری از مردم خیلی زود متقاعد میشوند که معنی بخشش گناهان را می فهمند اما در واقع این چنین نیست. گویا آنها هرگز چنین چیزی در این باره یاد نگرفتند، گویا آنها خاصیت جدید مسیحی بودن را که سبب بیدار شدن وجدان میشود را از دست داده اند. آنها در این حس اشتباه مطمئناً "به خواب رفته اند، ایمان آنها مرده است، و دچار همان دردسر و مشکلاتی که شیطان همیشه برای آنها درست می کرد می شوند.

چگونه ما می توانیم آرزو کنیم که همه باید راحتی اعتقاد پیدا کنند و متوجه شوند؟ در حالی که همه به راحتی به این اعتقاد دارند که در زندگی جایگاه خوبی ندارند. حتی بزرگترین مقدسین نیز این را به سختی بدست آوردند. این احساس راحت طلبی و آسان گرفتن بسیار فریبنده است و باعث خراب شدن و مانع از رشد و تکامل یک مسیحی میشود.

حالا زیاد مقدمه چینی کردیم. بیایید به اصل موضوع پردازیم. ما نیاز به مشاوره با هیچ انسانی در این زمینه نداریم. خداوند تنها کسی است که میتواند گناهان ما را بخشد و می بخشید، و این کار را مطابق میل و اراده خود انجام داده است. چگونه ما نباید در موضوع به این مهمی در کلام او مشورت نکنیم، آیا ما باید بمیریم و این رمز جاودانه را در دستان انسان باقی بگذاریم؟ مطمئناً نه. هیچکس نمی تواند به ما بگوید بخشش گناهان توسط خداوند چگونه است بجز خود او. ما باید به کلام خداوند گوش کنیم. اجازه دهید به کتاب مقدس رجوع کنیم، کتاب مقدس به دو روش متفاوت درباره بخشش گناهان به ما آموزش میدهد. اول بخشش برای گناهیانی که مرتکب شده ایم، دوم بخشش گناهان برای همان شخص مورد استفاده قرار میگیرد.

زمانی که ما کتاب مقدس را مطالعه میکنیم چیزهایی پیدا می کنیم که در دو حالت با شکوه و شگفت انگیزند. ممکن است این شما را غافلگیر کند. این یک حقیقت است که تمام گناهان بشر پاک شده اند و

بخشیده شده اند و یا بوسیله خون گرانبهای عیسی مسیح پوشانده شده اند، حتی قبل از آنکه کسی بخواهد توبه کند و یا ایمان داشته باشد، در واقع حتی قبل از اینکه شما بخشش را دریافت کنید بخشش گناهان به شما تقدیم شده است. این به چه معنی است؟ خوب کتاب مقدس به ما میگوید: نتیجه و معنی باز خرید شدن توسط عیسی مسیح انجام شد. و کفاره گناهان ما بوسیله او داده شده است. در کتاب رومیان باب ۵ آیه ۱۰ این چنین نوشته شده است: «هنگامی که ما دشمن خدا بودیم بواسطه مرگ پسرش ما را با خود آشتی داد» نوشته نشده است که باید با خداوند آشتی کنیم، بلکه نوشته شده است «آشتی داد».

نوشته نشده است ما با توبه خود آشتی کردیم و یا با قلب پشیمان خود و یا با دعا کردن. —ه، ما بوسیله مرگ فرزندش با او آشتی کردیم زمانی که ما دشمنان او بودیم. این بخاطر دعا و یا قلب پشیمان ما و یا رفتار خوب ما نبود. ما بوسیله مرگ فرزندش با او آشتی کردیم. با توجه به آیه ای که در دوم قرن تیان باب ۵ آیه ۱۹ می خوانیم: «پیغام ما اینست که خدا در مسیح بود. مردم را با آشتی خود فرا خواند تا گناهانشان را ببخشد و آثار آنرا پاک نماید.» همچنین در افسسیان باب ۱ آیه ۷ آمده است: «او حاضر شد بخاطر خون فرزندش ما را ببخشد.» همچنین در کولسیان باب ۱ آیه ۱۴ می خوانیم: «همان فرزندی که ما را به قیمت خون خود آزاد کرد و گناهان ما را بخشید» اینگونه می بینیم که معنی بخشش گناهان آزاد شدن در خون عیسی مسیح است. در کتاب دانیال باب ۹ آیه ۲۴ می بینیم که خداوند هفتاد

هفته وقت برای اتفاقات مرگ عیسی مسیح تعیین نموده است. و در اشعیا باب ۵۳ آیه ۵ میخوانیم که خداوند تمام گناهان ما را در وجود او گذاشت: «برای گناهان ما بود که او مجروح شد. برای شرارت ما بود که او را زدند. او تنبیه شد که ما سلامتی کامل داشته باشیم. از زخمهای او ما شفا یافتیم. ما همچون گوسفندانی که آواره شده باشند گمراه شده بودیم و راه خدا را ترک کرده و به راه های خود رفته بودیم با این وجود خداوند تقصیرها و گناهان ما را به حساب او گذاشت» اینگونه است که خداوند بخشایش گناهان را برای ما توضیح میدهد. چه کاری ما میتوانیم برای این انجام دهیم؟ کلام او روشن تر از خورشید و بلندتر از کوه است. ما باید مانند آنانکه این کلام را به رشته تحریر درآورده ند آنرا قبول کنیم. باید بدانیم کلام خداوند آن چیزی است که خودش گفته است، نه بیشتر و نه کمتر.

کلام خداوند چه چیزی می خواهد به ما بگوید؟ بله میگوید: گناهان تمام بشر یکی شده و در وجود عیسی مسیح گذاشته شده است. گناهان ما به گناهان او تبدیل شده است. گناهان ما به حساب او گذاشته شده است و او این بها را با تمام خون خود پرداخت کرد. بعد از آنکه او گناهان همه را پاک کرد دیگر آنها گناه کار نبودند. تصور کنید اگر وام یا قرض از حساب کسی به حساب شخص دیگری منتقل شود دیگر نیازی نیست شخص اول این بدهی را بپردازد، درست است؟ اینگونه که دکتر مارتین لوتر در بخش دوم کتاب تعالیم مذهبی میگوید: «عیسی مسیح من را که مخلوقی گمشده و محکوم بودم باز خرید کرد. او مرا در امنیت قرار

داد واز گناهان نجات داد، از مرگ و از قدرت شیطان. او اینکار را با طلا و نقره انجام نداد، بلکه با خون مقدس و گرانبهای خود این کار را کرد. با درد و رنج و با مرگ بدون تقصیر خود این کار را انجام داد» ملاحظه میکنید نوشته شده او این کار را کرد. این به این معنی است که دیگر نیازی نیست کسی در گناه گم شود بلکه همه و تمام گناهان بخشیده شده است.

اما حالا اجازه بدهید پیام یوحنا باب ۳ آیه ۱۸ را بخوانیم: «کسانی که به او ایمان بیاورند، هیچ نوع محکومیت و هلاکتی در انتظارشان نیست، ولی کسانی که به او ایمان نیاورند. از هم اکنون محکومند، چون به یگانه فرزند خداوند ایمان نیاوردند».

می بینید که درهای پادشاهی خداوند همیشه باز است. اما درب قلب شخص نیز باید برای پذیرفتن خداوند باز باشد. با این وجود اگر عیسی مسیح ما را آشتی نداده بود و گناهان ما را پاک نکرده بود هیچکس نجات پیدا نمیکرد. این ما را به سمت معنی دیگر بخشش گناهان هدایت میکند. کتاب مقدس میگوید: «اما اگر به گناهان خود اعتراف نماییم، می توانیم اطمینان داشته باشیم که او ما را می بخشد. و از هر ناراستی پاک میسازد.» نامه اول یوحنا باب ۱ آیه ۹ میخوانیم این اعتراف چه معنایی دارد؟ ما می توانیم این را از مزامیر ۵-۳: ۳۲ بیاموزیم «گناهان وقتی آن را اعتراف نمی کنم، وجود مرا مثل خوره می خورد و تمام شب غصه و گریه امانم نمی دهد! تو، ای خداوند، شب و روز مرا تنبیه

می‌کنی، بطوری که طراوات و شادابی خود را از دست می‌دهم و خرد می‌شوم. اما وقتی در حضور تو به گناه خود اعتراف می‌کنم و از پوشاندن جرمم خودداری نمی‌نمایم و به خود می‌گویم: «باید گناه خود را نزد خداوند اقرار کنم»، تو نیز گناه مرا می‌آموزی.» حال اجازه دهید ببینیم داوود در این باره چه می‌گوید: «گناهم وقتی آن را اعتراف نمی‌کنم». ممکن است شما پرسید خداوند: آیا خداوند در مورد گناهان داوود نمی‌دانسته است، زیرا او همه چیز را در مورد ما میداند و از عمق تفکرات ما آگاه است. خوب، برای چه داوود میخواهد اینگونه به نظر برسد که او با گناهانش همراه است؟ زیرا او مراقب بود که بار گناهانش و بیماری حاصل از گناه به فاصله او با خداوند تأثیر نگذارد. دنیا پر است از مردمانی که گناهان خود را پنهان میکنند و یا به گناه خود در حضور خداوند اعتراف نمی‌کنند. بعد روحانی این مردم مرده است. بنابراین، معنی اعتراف اصلاح شدن است، تا یاد بگیرید و بفهمید که گناه همانند نفرینی ترسناک است و باید خواهان بخشش باشید و از عیسی مسیح طلب کنید تا شما را ببخشد برای بدست آوردن بخشش ما باید مرتباً و دائم این کار را انجام دهیم.

اکنون اجازه بدهید که یک مثال که با آن آشنا هستید را بیان کنم: این حکایت پسر گمشده است. عیسی مسیح این داستان را برای ما نقل کرد تا تصویری شفاف برای ایمان بسازد. این پسر زمانی که تصمیم گرفت به خانه باز گردد گفت: «پس برخواهم خواست و نزد پدرم رفته به او خواهم گفت: ای پدر، من در حق خدا و در حق تو گناه کرده‌ام، و

دیگر لیاقت این را ندارم که مرا پسر خود بدانی، خواهش می‌کنم مرا به نوکری خود بپذیر!» لوقا باب ۱۵ آیه ۱۸ و ۱۹ از این آیه ما میتوانیم چیزهایی در مورد اعتراف درست و توبه صحیح یاد بگیریم. پسر گمشده هیچ اشاره ای به گناه خاصی نکرد، او فقط گفت: «من در حق خدا و در حق تو گناه کرده‌ام» لوقا ۱۵:۵۱ او نگفت این گناه و یا آن گناه ناشایست و زشت بوده است، اما با میل گفت: من، خود من، دیگر لیاقت این را ندارم که من را پسر خود بخوانی. ما از این جمله چه چیزی میتوانیم بیاموزیم؟ وقتی ما به یک گناه خاص و ویژه اعتراف کنیم می‌تواند راه درستی برای توبه نباشد. راه درست توبه ناتوان شدن و محکوم شدن در تمام گناهان است. او ملامت و پشیمانی را فقط برای یک چیز بکار نبرد، تا بتواند به بقیه گناهانش ادامه دهد.

نکته دوم در مورد پسر گمشده این است که در جایی که بود نماند، او عملاً "سفر برای بازگشت به خانه پدر آغاز کرد. این به ما نشان میدهد که اگر در جایی که قبلاً بودیم و با فاصله خیلی زیاد از خداوند در گناه باقی بمانیم، توبه ما اشتباه است. ما باید جایی را که هستیم ترک کنیم، اگر توبه ما حقیقی و درست است ما باید به سوی خداوند برگردیم. سومین نکته این است، پسر گمشده گفت: خواهش میکنم من را به نوکری خود بپذیر، این نشانه ریاکار بودن و بی اعتقادی است. او به این اعتقاد نداشت که فقط با رحمت و طلب بخشش خالص می‌تواند دوباره جایگاه فرزندی خود را بدست آورد، او اعتقاد داشت باید با نوکری شروع کند و این کار کردن اوست که او را دوباره به جایگاه فرزندی خواهد

رساند. این اتفاق بارها برای کسانی که می خواهند توبه کنند می افتد. دقت داشته باشیم که پدر او هیچ توجهی به درخواست اشتباه پسرش نکرد. همانطور که در اینجا میخوانیم: «اما هنوز از خانه خیلی دور بود که پدرش او را دید و دلش بحال او سوخت و به استقبالش دوید و او را در آغوش گرفت و بوسید.» لوقا ۱۵:۲۰ و او!... عجب بخشش خدا گونه ای. این قابل مقایسه با هیچ چیز دیگری نیست. پدر باید به میگفت: «برو گمشو ای پسر پست و حقیر! تو تمام پولهایت را به باد دادی! تو دیگر فرزند من نیستی» پدر باید اینها را میگفت، اما او این کار را نکرد. او حتی با یک کلمه هم پسرش را سرزنش نکرد. او هیچ نوع غرامتی از فرزندش نخواست. برعکس، او بهترین لباس و کفش را به او پوشانید و انگشتر نیز به او داد. او یک میهمانی بزرگ به مناسبت بازگشت فرزندش ترتیب داد. ملاحظه میکنید، پدر هیچ گونه کینه از پسر گناهکار خود در زمانی که او دور از خانه بود به دل نداشت، و این قلب رحیم و بخشنده پدر را هرگز تغییر نداد. قلب او با بازگشت پسرش به خانه آشتی نکرد، بلکه قلب او با فرزندش همیشه در آشتی بود. اما پسر گمشده استفاده نکرد و یا خواستار این صمیمیت و صفای قلب پدر تا قبل از بازگشت به خانه نشد. این به ما می آموزد که خداوند همیشه با تمام گناهکاران، بی ایمانان، و کسانی که از او دور هستند، در صلح و آشتی است.

عیسی مسیح گناهان همه را در یک روز پاک کرده است، و همه بخشش را بدست آورده اند، و بهترین ردا و لباسی درخشان مانند ابریشم برای همه آماده است که بر تن کنند.

چهارمین نکته ای که می آموزیم این است: چه اتفاقی می افتد زمانی که یک گناهکار رحمت خداوند را گم کرده است؟ آیا او بخشش از گناهان را از پسر خداوند دریافت می کند؟ در لحظه ای مقدس که پسر گمشده به پدر رجوع میکند چه اتفاقی می افتد؟ او توبه کرده، اصلاح شده و دعا میکند. و او بخشش برای گناهان را دریافت می کند، و ردایی زیبا و انگشتری که برای او آماده شده است را دریافت میکند. و این نشانی است از روح القدس و یا شهادتی بر اینکه او خدمتکار مزد بگیر نیست و فرزند خداوند است. این بسیار مهم است که ما در اولین دعا که وقتی ایمان می آوریم، رحمت و بخشش را در اولین نگاه به عیسی مسیح می بینیم. عیسی مسیح می گوید: «ولی بعضی نزد من خواهند آمد و ایشان کسانی هستند که پدرم خدا به من داده است و ممکن نیست هرگز ایشان را از دست بدهم.» یوحنا ۶:۳۷ این تنها مثال در تمام تاریخ کلیسا نیست که کسی برای طلب رحمت و بخشش به پای عیسی مسیح می افتد، هرگز. در بسیاری از این لحظات ابتدا او وعده داده است: «اما او به تمام کسانی که به او ایمان آوردند، این حق را داد که فرزندان خدا گردند» یوحنا ۱:۱۲

این حقیقت است که شما همزمان هم شایستگی دارید و هم ناشایستگی. آیا شما سزاوار فیض خداوند نبودید؟ و آیا شما این را با رفتار خوب خود بدست آورده اید؟ — این رفتار خوب باعث نشد قلب او برای شما باز شود. تنها نیت این رفتار خوب باعث نفوذ او در قلب شما شد و تا روزی که دوباره عیسی مسیح بیاید او نگهبان قلب شما خواهد بود. (غلاطیان ۳: ۲۴). شما باید فقط بخشش برای گناهان را فقط در عیسی مسیح جستجو کنید و در رنجی که او برای شما متحمل شد.

ممکن است شما بگویید: من تمام اینها را می دانم. من رحمت و بخشش را در میان کاری که عیسی مسیح بر روی صلیب انجام داد جستجو کردم، اما هنوز آن را بدست نیاوردم. من هیچ چیز را در ارتباط با این درون قلبم حس نمی کنم. در اینجا جواب من این است. آیا شما دوست دارید چیزی را که خداوند در کلام خود گفته است را رد کنید و یا نپذیرید؟ او میگوید تمام گناهان به عیسی مسیح داده شده است و او تمام گناهان را پاک کرده است و آنها را در عمق دریا پرتاب کرده است. میکاه ۱۹:۷ عیسی مسیح گفته بعضی نزد من می آیند و ممکن نیست من آنها را از دست بدهم، یوحنا ۶: ۳۷. آیا شما میگوئید این کلام خداوند قابل اطمینان نیست؟ آیا شما می گوئید کلام خداوند درست نیست؟ فقط به این دلیل که شما احساس بخشش نمی کنید، کدام را ه و دسته از مسیحیت اینگونه فکر میکنند! شما باید به کلام خداوند توجه کنید و نباید او را دروغگو بشمارید. اول یوحنا ۵: ۱۰ حالا اجازه

دهید چیزهای دیگر را نیز ببینیم. بخشش گناهان دارای دو بخش و دو قسمت جداگانه است. اولین بخش پنهان یا راز بودن، دومین بخش پنهان شده و یا آشکار شده است.

در مورد اولین بخش، فقط کلام خداوند اعتماد به نفس و اطمینان خاطر شماست. این بدون داشتن هیچ احساس ویژه ای است. این بخش مخفی فقط برای شماست و آن را زمانی که تشنه و گرسنه حقیقت هستید و به عیسی مسیح مراجع میکنید، خیلی زود دریافت می کنید. ببینید شما کاملاً "آزاد هستید، از تمام گناهان خود پاک شده اید، به عنوان یک نیکوکار نام شما در کتاب حیات نوشته شده است، اما شما این را نمی دانستید. و شما دعا می کنید:

اوه! خدای من من آمده ام در پیشگاه تو
به من نگاه نکن، بلکه به پسر نگاه کن
در من فقط بیچارگی و بدبختی وجود دارد.
در او جلال و شایستگی وجود دارد.

حالا بر شما نمایان میشود و قلب شما حس می کند که پاسخ را دریافت کرده است، و شهادت روح القدس که شما فرزند خداوند هستید. اجازه بدهید نگاه کنیم به مثال زنی که به عیسی مسیح مراجعه کرد. لوقا باب ۷ آیه ۳۷ تا ۵۰ آن زن بخشش خاص و مخفی را دریافت کرد همانگونه که عیسی مسیح به شمعون گفت: «گناهان او هرچقدر هم زیاد باشد

بخشیده شدند» اما بخشش آشکارا زمانی نصیب او شد که عیسی مسیح گفت: «گناهان تو بخشیده شد.» ما باید صفحاتی از کتاب مقدس را بخوانیم که عیسی مسیح چگونه بهای گناهان ما را با مرگ خود بروی صلیب پرداخت کرد. این آمرزش گناهان را ما با ایمان دریافت کردیم. این همیشه با ما خواهد ماند. این رحمت و بخشندگی روزانه و ابدی است. و این هرگز پاک نخواهد شد، حتی اگر بعضی اوقات گناه دوباره فوران کند، و تا زمانی که ما بواسطه ایمان در عیسی مسیح بمانیم همین رحمت و بخشش را خواهیم داشت. شما می بینید که رحمت و بخشش را از خداوند دارید نه از رفتار خوب خود، ما شایسته لعنت هستیم اما در عیسی مسیح همیشه به همان اندازه صالح هستیم.

اجازه بدهید ببینیم کتاب مقدس در این زمینه چه میگوید: زمانی که خداوند در عهد عتیق از پادشاهی رحمت و بخشش که قرار است توسط عیسی مسیح ایجاد کند سخن میگوید اینگونه می فرماید: «آن شهر جشنهای مقدسمان» (اشعیا ۳۳) همچنین او می فرماید: «هیچکس نخواهد گفت من بیمار هستم و تمام گناهان ساکنان این سرزمین بخشیده خواهد شد» در مزامیر ۹۸ خداوند در مورد پیمان و عهد خود با کسانی که بواسطه پسر او باز خرید شده اند سخن میگوید، «اما اگر فرزندان از دستورات من سرپیچی کنند واحکام من را بشکنند، آنگاه ایشان را تنبیه خواهیم کرد، با این حال آنان را از رحمت خود محروم نخواهم کرد و نسبت به عهد خود وفادار خواهم ماند.» (مزامیر ۸۹: ۳۰ تا ۳۴) و همچنین در عهد جدید کتاب یوحنا نوشته شده

است: «فرزندان عزیزم، اینها را به شما می نویسم تا گناه نکنید، اما اگر گناهی از شما سر بزند کسی هست که نزد خدای پدر وساطت کند و برای ما طلب بخشش کند، این شخص عیسی مسیح است که مظهر راستی و عدالت است. او کسی است که تاوان گناهان ما را داده است تا خداوند ما را هلاک نسازد؛ او با این کار رابطه دوستانه میان خداوند و ما بوجود آورده است. او نه فقط برای گناهان ما، برای گناهان تمام مردم جهان فدا شد. (اول بوحنا ۲: ۱ و ۲) این گذر از میان کتاب مقدس به ما نشان می دهد که بخشش، همان بخشش است. و گناهان تو هرگز به یاد آورده نخواهد شد. (اشعیا ۴۳: ۲۵) مجازات و نه صحبتی درباره اظطراب؛ بخشش یک بار وجود دارد. بعضی از مسیحیان به بخشش گناهان اعتقاد دارند، اما نگران تقصیرهای خاص و برخی درماندگی ها در زندگی خود هستند، که آنها را نمیتوانند تشخیص دهند که آیا گناه است یا نه، اما آن تقصیرها و خرابی ها گناه هستند. و بخشش تمام گناهان ، همه ضعف ها و تقصیرها و درماندگی های زندگی ما را می پوشاند. کدام تقصیر و خرابی ها در زندگی ما گناه نیستند؟ این قانون شامل تمامی انسان میشود: از جمله قلب او، افکار او، احساس او و رفتار او. وگرنه همه چیز در زندگی شخصی ما مغایر بود با کلام خداوند و جرم و اتهام محسوب میشود. تنها مرگ عیسی مسیح کفاره گناهان ما است، گناهان دستان ما و یا هر گناهی مانند آن. بخشش از گناهان شما و هرگونه رفتاری را که دارید پوشش میدهد.

دکتر لوتر در کتاب موعظه های انجیل و پروتستان میگوید: یک مورد برای درست متوجه شدن اعتقادات این است که پرهیزگار بودن برای خداوند بستگی به دریافت بخشش گناهان دارد.

زمانی که یک شخص می خواهد در ارتباط با خداوند باشد باید بداند که بهر حال گناه باعث می شود پرهیزگاری و نیک رفتاری او بی معنا شود. با توجه به چگونگی رفتار و افکار و حتی حرف زدن و نحوه زندگی کردن در مقابل خداوند من ترجیح میدهم که پرهیزگار باشم، و از گناه کردن دوری کنم و رفتارهای خوب بسیاری داشته باشم. اما با توجه به اینکه چگونه در مقابل خداوند قرار گرفته ام هیچکدام را بدست نمی آورم، مگر اینکه بخشش گناهان خداوند شامل من نیز شود. و من با جرأت اعتراف میکنم که گناهکار هستم اما عیسی مسیح عدالت دارد. پرهیزکاری او پرهیزگاری من است. من نمی توانم در جایگاهی قرار گیرم که گناه را لمس نکنم.

اینجا وعده های شگفت انگیزی برای فرزندان خداوند وجود دارد. در ارتباط با پسر خداوند، او اینگونه میگوید: «پسر او» (مزامیر ۲۸:۸۹)، اولین فرزند خداوند، بزرگترین پادشاه در زمین، اولین انتخاب، اینها اسامی بسیار مهمی هستند. پدر آسمانی ما میگوید: که پیمان و عهدی جاودانه بسته است. نه برای پسر خود، که او را بزرگترین و ارباب همه کرده است. رحمت و بخشش جاودان و بی انتها این بود که پسرش برای جستجو و طلب کردن فرزندان گمشده او بیاید. و این فرزندان کسانی

هستند که به او ایمان می آورند و به او روی می آورند و در پادشاهی او زندگی می کنند. کتاب مقدس می گوید: «خوشبحال مردمی که می دانند چگونه تو را ستایش و تمجید کنند. زیرا آنها در نور تو را خواهند دید. آنها تمام روز به نام تو شادی می کنند و به سبب عدالت تو سربلند خواهند بود، نه به خاطر خود.

اما عدالت خداوند چیست؟ ما در کتاب رومیان باب ۳ آیه ۲۱ و ۲۲ میخوانیم: «اما اکنون خدا راه دیگری برای نجات به ما نشان داده است. ما تابحال سعی می کردیم با اجرای مقررات و تشریفات مذهبی، به این نجات و رستگاری دست یابیم و در حضور خدا پاک و بی گناه شمرده شویم. اما در این راه نوین، دیگر چنین نیست، هر چند که این راه، چندان هم تازه نیست، زیرا کتاب آسمانی ما از زمانهای گذشته نوید آن را داده بود. اینک خدا چنین مقرر داشته که اگر کسی به مسیح ایمان بیاورد، از سر تقصیرات او بگذرد و او را کاملاً «بی گناه» بحساب آورد. همه انسانها نیز بدون توجه به مقام و یا سوابقشان، می توانند از همین راه، یعنی «ایمان به عیسی مسیح» نجات یابند. اما اکنون خدا راه دیگری برای نجات به ما نشان داده است. ما تابحال سعی می کردیم با اجرای مقررات و تشریفات مذهبی، به این نجات و رستگاری دست یابیم و در حضور خدا پاک و بی گناه شمرده شویم. اما در این راه نوین، دیگر چنین نیست، هر چند که این راه، چندان هم تازه نیست، زیرا کتاب آسمانی ما از زمانهای گذشته نوید آن را داده بود. اینک خدا چنین مقرر داشته که اگر کسی به مسیح ایمان بیاورد، از سر تقصیرات او بگذرد و

او را کاملاً «بی‌گناه» بحساب آورد. همه انسانها نیز بدون توجه به مقام و یا سوابقشان، می‌توانند از همین راه، یعنی «ایمان به عیسی مسیح» نجات یابند.» در این عدالت فرزندان خداوند سربلند و مقدس می‌شوند، نه به سبب رفتار خود، این به ما بستگی ندارد، ابن عدالت عیسی مسیح است.

اکنون شما می‌پرسید چه اتفاقی می‌افتد: اگر من سقوط کنم از رحمت خداوند و سپس آنرا را از دست بدهم؟ شما میتوانید دوباره کتاب مزامیر باب ۸۹ از آیه ۳۰ تا ۳۴ را بخوانید. خداوند به ما می‌گوید اگر گناهی مرتکب شویم او تغییر نخواهد کرد و در عشق خود ثابت قدم است. او در وفاداری خود اشتباه نمی‌کند. او پیمان و عهد خود و یا یک کلمه از کلام خود را فراموش نمی‌کند. همانطور که او در مزامیر ۸۹ به ما گفته است که چگونه میخواهد فرزندان گناهکار خود را تنبیه کند با یک چوب و با تازیانه، گناهان آنها را پاک می‌کند اما رحمت خود را از آنها دریغ نمی‌کند. آیا این صدا برای شما قوی نیست؟ خوب دیدید، رحمت خداوند برای فرزندان (من و شما). اما این عهد و پیمان بوسیله پسر او بوجود آمده است. اینگونه است که او ارباب و ضامن ما و واسطه ما و حامی ما با خدای پدر است.

او به جای ما رنج را متحمل شد. او بهای تمام گناهان و رفتار بد ما را پرداخت کرد و اینگونه است که رحمت او غیرقابل تغییر خواهد بود. حتی برای فرزندان که مرتکب گناه شده اند. این نشانه را ساخت! و

فرزندان او در اطراف او هستند. آنها در ایمان به او چسبیده اند مانند کودکی که به مادر خود چسبیده باشد. و آنها دارند یک قلب حقیقی با او مانند یک کودک که اعتماد دارد به مادر خود با قلبش و آنها نمی خواهند جدا شوند از او. آنها برای گناهان گذشته پشیمان و ناراحت هستند. آرزو می کنند دیگر کار اشتباهی انجام ندهند، اینان فرزندان او هستند.

وقتی که این فرزندان در گناه سقوط می کنند، خداوند چه کاری انجام می دهد؟ او میگوید آنها را بسختی تنبیه خواهم کرد (تازیانه و چوب) اما رحمت خود را از آنها دریغ نخواهم کرد. بله او بر سر پیمان و عهدی است که با پسر خود بسته است.

دکتر مارتین لوتر میگوید: «وقتی خداوند از من عصبانی است و میخواهد من را از خود دور کند، پاسخ من این است: تو باید پسر محبوب خود را عیسی مسیح را رد کنی زیرا او مأمور امنیت من و وکیل من و فدیة و خونبهای من است. و اگر تو به او افتخار میکنی، پس من هم باید آزاد و امن باشم.»

زمانی که من گناهی مرتکب میشوم، خداوند من را تنبیه می کند. بوسیله وجدان من، مانند این است که شلاقی به دست خود من بدهد. و با راه های گوناگون من را آزمایش می کند. (نامه اول پطرس باب ۱ آیه ۱۶) اما او رحمت خود را از من نمیگیرد. رحمت خداوند در زمینی محکم بنا شده است و بوسیله گناهان من از بین نمی رود.

بیاد داشته باشید زمانی که برای یک گناه توسط خداوند تنبیه میشود، تازیانه میخورید، اما نه به معنای فیزیکی و یا جسمی منظور تازیانه از سوی وجدان شما، اما رحمت خداوند همیشه پابرجاست. او عشق خود را نسبت به شما پس نمی گیرد. او از دست شما عصبانی نمی شود. زمانی که شما گناهکار و رنج دیده هستید. او صحبت میکند با شما با اعتماد به نفس از طریق سوراخ یک ابر سیاه: «خداوند از دست من عصبانی است و من بیشتر وسخت تر تنبیه شده ام من دچار سوءتفاهم نشده ام. زیرا که تو گفته ای من را با تازیانه تنبیه میکنی اما رحمت خود را از من نمیگیری. من تحمل میکنم و راضی هستم.»

اجازه دهید دوباره نامه اول بوحنا باب ۲ آیه ۱ و ۲ را بخوانیم. بخش اول به ما می گوید نباید بی دقت باشیم، ما باید ببینیم، دعا کنیم و دوباره با گناه مبارزه کنیم. اما اگر اجازه بدهیم دشمن (شیطان) ما را بسوی خودش بکشد. این تأسف بار است. زیرا او می خواهد ما بی شرمانه در گناه بمانیم، اما گناه رخ می دهد. و بعد که اتفاق افتاد ما سزاوار رسوایی و رد شدن توسط خداوند هستیم، اما این اتفاق نمی افتد، زیرا ما یک پشتیبان و پدر داریم که او لحظات زیادی زمانی که ما در گناه بودیم ما را نجات داده است، پس کسی که گناهی مرتکب نشده نیازی به وکیل و پشتیبان و یا ناجی و یا کفاره ندارد. می بینید خداوند نمی خواهد شما مانند یک گناهکار زندگی کنید و بازنده باشید. به همین دلیل او به شما یک وکیل و نجات دهنده اعطاء کرده است، او کسی نیست جز عیسی

مسیح ناصری، او حامی ما با خدای پدر است. او دفاع میکند از ما در مقابل قوانین عهد ختنه در شریعت و از خشم خداوند.

زیرا شیطان مدام ما و برادران ما را شب و روز در پیشگاه خداوند متهم می کرد. (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۰) و خواستار شمارش گناهان ما و اجرای عدالت است، پس عیسی مسیح ظاهر میشود و پاسخ میدهد: «بله پدر این درست است، این روح گناهکار است، اما اگر او بدلیل گناه کردن در قوانین شریعت تنبیه شود، ابن به من ضربه خواهد زد. من گناهان او را بر خود گرفتم و او به من اعتماد کرده است.» پس پدر آسمانی ما هرگز آن روز را فراموش نمی کند، او گریه پسر رنج دیده خود را از زمین شنیده است. او هرگز انتظار ندارد که این بازخرید گناهان دوباره انجام شود. به این معنی که از شخص گناهکار دفاع شده است و او آزاد است. همچنین یوحنا این را نیز اضافه کرده که عیسی مسیح کفاره گناهان ما را داده است. کدام گناهان؟ همه آنها. مرگ مسیح بر روی صلیب رویداد بی هدفی نیست. (غلاطیان باب ۲ آیه ۲۱). عیسی مسیح مرد برای تمام گناهان ما. برای آنهایی که تصور میکنیم و برای آنهایی که واقعی هستند کوچک، بزرگ، افراد گذشته و حال، برای تمام گناهان، گناهان دست. گناهان قلب و گناهان افکار ما و گناهان زبان ما.

این اعتقادات و باورها آشکار می شود در کلام خداوند، مربوط میشود به بخشش روزانه و ابدی برای گناهان ما و این اعتقاد بسیار آرامش

بخش است، و این یک اعتقاد جعلی و ریاکارانه نیست و مسیحیان باید به این گوش بدهند. معمولا این یک نوع محکومیت برای آنهاست. درحالی که مسیحیان درست کار شاید گناه را تجربه کنند و تیبیه شوند اما رحمت خداوند از آنها دریغ نمیشود و عیسی مسیح پشتیبان آنهاست.

از سوی دیگر، کسی که هفته ها و ماه ها با گناه زندگی میکند و از در آغوش کشیدن گناه شاد است، شک نکنید که فرزند نا مشروع خداوند است. در کتاب (عبرانیان باب ۱۲ آیه ۸) زندگی روحانی او مرده است و ریاکار است و مانند یک پیشخدمت نادان با یک چراغ بدون سوخت می ماند. چنین مسیحیانی جعلی هستند و شما را در باقی ماندن در گناه تشویق می کنند زیرا او نخواهد برگناه پیروز شود. و یا از خود دفاع کند در برابر گناه، اما میخواهد سریع بخشیده شود. این کسی است که رحمت خداوند منحرف می کند با شایستگی (یهودا آیه ۴) آنها گناهکارند.

یک رسول میگوید کسی که مرتکب گناه میشود متعلق به شیطان است و متولد نشده از خداوند و فرزند خداوند نیست. کسی که فرزند خداوند باشد نمی تواند مرتکب گناه شود. زیرا او فرزند خداوند است. در نامه اول یوحنا باب ۳ آیه ۸ و ۹ می خوانیم: «اما کسی که در گناه بسر می برد، نشان می دهد که فرزند شیطان است، زیرا شیطان از همان ابتدا که خود را به گناه آلوده ساخت، تابحال گناه می کند. اما فرزند

خدا آمد تا اعمال شیطان را باطل سازد. هر که به خانواده خدا ملحق می‌شود و فرزند خدا می‌گردد، به راه گناه نمی‌رود، زیرا او از طبیعت و حیات الهی برخوردار می‌شود. بنابراین، دیگر نمی‌تواند گناه کند، زیرا در او زندگی تازه‌ای شکل گرفته است که از خدا جریان می‌یابد.» و همچنین می‌خوانیم در نامه اول یوحنا باب ۱ آیه ۸ و ۹ «اگر بگوییم گناهی نداریم، خود را فریب می‌دهیم و از حقیقت گریزانیم. اما اگر گناهان خود را به او اعتراف نماییم، می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که او ما را می‌بخشد و از هر ناراستی پاک می‌سازد. این کار خدا کاملاً منصفانه و درست است، زیرا عیسی مسیح برای شستن و پاک کردن گناهان ما، جان خود را فدا کرده است.»

چگونه ما مسیحی شدیم ؟ این در بخشش خداوند بوجود آمد - بخشش برای گناهان . این تنها راهی است که به موجب آن ما نجات پیدا کرده ایم . و به این سبب ما روح القدس را دریافت کرده ایم .

یک شخص ممکن است موضوعات بسیاری را متوجه نشود ولی اگر بخشایش خداوند - بخشش برای گناهان - را داشته باشد یک مسیحی درست است . این شخص آماده راضی بودن و کسب شایستگی برای کردار بر خوب بوسیله روح القدس است . او آماده دست یافتن به سرور و تکامل است .

